

گفت‌وگو با اکبر صحرایی، نویسنده ادبیات جنگ به بهانه انتشار کتاب «خیلی خیلی محرمانه»

# برای نوشتن از جنگ باید آن را زیست

مریم شهبازی خبرنگار

اغلب نویسندگان نسل اولی ادبیات جنگ قلم به دست گرفته اند تا بلکه روح خود را التیام ببخشند؛ نویسندگانی که اغلب در جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان حضور داشته‌اند و هنوز هم آن خاطرات را فراوانش نکرده‌اند؛ و تصاویر غرق به خون دوستان و هم‌زمانشان که برخی رفته‌اند و عده‌ای هم همچنان درگیر خم‌ها و ترکش‌های رژیم بعثی هستند هنوز در ذهن شان زنده است. اکبر صحرایی، نویسنده طنزپرداز و پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس که چند سال در جنگ حضور داشته نوشتن از آن سال‌ها را دای دین به دوستان زرمنداش می‌داند: «با نوشتن خاطرات آن دوران و دوستان دوران جنگم خود را التیام می‌دهم؛ احس می‌کنم به دوستان رفته‌ام مدیونم. دوستانی که در یک شب مقاومت و جنگ در جزیره مجنون ۱۲ نفرشان را از دست دادم. آن روزها راه‌گرز فراوانش نمی‌کنم.» سی سال است می‌نویسد و عمده مخاطبانی که در این سال‌ها بر آنها متمرکز شده کودکان و نوجوانان هستند چرا که تأکید دارد در این گروه سنی با کمتر نویسنده‌ای رویه‌رو هستیم که از این واقعه تاریخی براساس پژوهش پرستر ادبیات داستانی بنویسد. البته آثار متعددی هم برای مخاطبان بزرگسال دارد، از جمله تازه‌ترین نوشته‌اش، «خیلی خیلی محرمانه»، رمانی درباره «عملیات قدس ۳» و همه آن‌هایی که در آن نقش آفرینی کرده‌اند. صحرایی با خلق آثار داستانی و مستند متعدد موفق به کسب جوایز بسیاری از جمله جایزه کتاب سال، جایزه جلال آل احمد، جایزه ادبی صادق هدایت، جشنواره مطبوعات ایران، کتاب‌سال دفاع مقدس و کتاب‌سال پاسداران اهل قلم شده است. برخی آثار او به زبان‌های انگلیسی و عربی هم ترجمه شده‌اند. همچنین رمان‌های «معمای کانال ماهی» و «رمان «کاش کمی بزرگتر بودم.» در گفت‌وگوی امروزمان با این نویسنده شیرازی درباره رمان «خیلی خیلی محرمانه» که به تازگی از سوی نشر «صنیر» روانه کتاب‌فروشی‌ها شده و نکاتی درباره وضعیت آثار داستانی این حوزه را ادبیات‌آموز می‌خوانید.

■ **از «خیلی خیلی محرمانه»، کتاب تازه‌تان بگویید که برخلاف اغلب نوشته‌های شما برای مخاطبان بزرگسال است.**

این کتاب را می‌توان با خوانی داستانی عملیات قدس ۳ لشکر ۱۹ فجر دانست. داستان در زمان حاضر روایت می‌شود اما بازگشت‌های فراوانی به زمان عملیات دارد و خواننده را به قلب آن نبرد می‌برد. در «خیلی خیلی محرمانه» با شخصیت‌هایی رویه‌رو می‌شوید که در آن عملیات حضور داشته‌اند و جانفشانی کرده‌اند. افرادی که برخی اسیر یا زخمی می‌شوند و البته نگاهی هم به این داشته‌ام که حالا چه می‌کنند. در هر فصل مخاطب با راوی متفاوتی آشنا می‌شود و درباره‌اش می‌خواند؛ اینکه حالا حرف‌های چیست و از همه مهم‌تر چه نقشی در قدس ۳ ایفا کرده. این روندی است که موجب آشنایی خواننده با عملیات مذکور و اندازه‌ای هم با تاریخ معاصرمان می‌شود.

■ **پس در این کتاب با یک مستند داستانی رویه‌رو هستیم؟**

بله، مبنای کار یک واقعه حقیقی است که با روایتی داستانی سراغ آن رفته؛ داستانی که به ما تصویری از رزمندگان، همچون آن جوان هجده ساله‌ای ارائه می‌دهد که حالا می‌پاسان شده است. تلاش کردم که به شکل جدیدی در حوزه ادبیات دفاع مقدس به سراغ روایت داستانی یک اتفاق بروم.

■ **و این تلاش از جهت تازه بودن فرم داستان است یا موضوعی که سراغ آن رفته‌اید؟**

از هر دو بابت. از جهت فرم، مخاطب با کتابی رویه‌رو است که به‌طور مستقیم سبب مواجهه‌اش با تاریخ نمی‌شود. بلکه در خلال مطالعه کتاب به شرح شخصیت‌های مختلفی برمی‌خورد که ماجرا را شرح می‌دهند، از جمله فرمانده لشکری که هم‌اکنون نماینده مجلس است؛ حتی به برخی ویژگی‌های ظاهری آنها هم توجه شده، اینکه به فرض همین فرد آن زمان اگر بوده اما حالا اضافه وزن هم دارد و... آن زمان چطور دستور می‌داده و هم‌اینک چطور! اینها برخی ویژگی‌هایی است که داستان را جذاب‌تر هم می‌کند.

■ **چرا عملیات قدس ۳؟**

نویسنده در آثاری که مبنای تاریخی‌اش اما مرتبط با دوره حاضر دارند، به سراغ وقایعی می‌رود که یا درباره آنها مطالعه و پژوهش کرده یا به‌نوعی آنها را زیسته باشد. برخی نویسندگان، فارغ از اینکه در چه حیطه‌ای کار می‌کنند تنها از این می‌گویند که سوژه نیست. اما نمی‌دانم چرا به‌جای گلابه سراغ پژوهش نمی‌روند. همین‌گوی برای آنکه «پیرمرد دریا» را بنویسد برای دو هفته به سبک و سیاق پیرمرد رمانش زندگی می‌کند، داخل قایقی می‌نشیند تا بخشی از سختی‌های اورا متوجه شود... بیخود نیست که بزرگان ادبیات جهان قادر به خلق آثاری ماندگار می‌شوند؛ آنچه آنان را از اغلب نویسندگان امروزی جدا می‌کند همان تلاش برای تحقیق و افروتن بر تجربه‌های زیستی است. اما بازگردیم به سؤال تان، خب من برای ۳ سال افتخار حضور در جبهه جنگ را داشتم و به نحوی با همین عملیات هم ارتباط داشتم.

پسر خاله خود من در همین عملیات مفقود شد؛ البته بعدها پیکرش را آوردند و به خاک سپرده شد. من وقایح این رمان را به نوعی زندگی کرده‌ام، برخی از شخصیت‌هایی که در این کتاب آمده‌اند دوستان و رفقای خودم هستند. برای بهتر نشستن این واقعه در نوشته‌ام دست به شخصیت‌سازی هم زده‌ام، مشابه کاری که در کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی هم انجام شده است و آن را می‌توان یکی از دلایل ماندگاری‌اش دانست.

■ **اما چرا در ادبیات جنگ ما چندان به این مسأله توجه نمی‌شود و اغلب به روایت‌های شفاف‌ی یا خاطره‌نگاری‌های صرف بسنده می‌کنند؟**

به سبب همان نقطه ضعفی که گفتم متوجه



مشکلات بنویسم هر کدام از آنها خود موضوع یک رمان مفصل هستند. کار یکی مانده به آخرم، «کتابه ژئرال» برگرفته از شخصیت و ماجراهایی واقعی است؛ با این حال چون آن را در قالب رمان نوشته‌ام بابت همین مشکلات احتمالی آن را نادمم به خانواده شهیدی که درباره‌اش نوشته بودم. می‌دانستم اگر آن را بخوانند با مشکل رویه‌رو می‌شوم. همه مشکلات احتمالی را به‌جان خریدم تا کتاب منتشر شود و اگر امکان می‌کنند برخی می‌توان در خلوت نشست و اثری خواندنی خلق کرد! وقتی در جایگاه کارشناس برخی مؤسسات نشر آثار نویسندگان ادبیات جنگ و دفاع مقدس را می‌خوانم متوجه می‌شوم که حتی اطلاعات درستی از اصطلاحات خاص آن دوره و رایج میان رزمنده‌ها ندارند. چرا؟ چون دنبال مطالعه و تحقیق نمی‌روند. نمی‌دانند آهنگران، خاک‌ریز یا «آر.پ.جی» یا بانگر چه موقعیتی بوده‌ و... در این حالی است که نسل بعد از انقلاب، حتی آنهایی که در جنگ نبودند اینها را می‌دانستند تا می‌گفتند آهنگران می‌فهمیدیم بحث صادق آهنگران است. ولی جوان امروزی نمی‌داند منظور از آهنگران، گروهی از افراد است که به این حرفه مشغولند یا فرد خاصی مد نظر است. نویسندگان جوان اگر بخوانند سراغ این حوزه بروند باید تحقیق کنند و درباره فرهنگ خاصی که میان رزمندگان شکل گرفته بود بخوانند.

■ **از مسائل پیش روی نویسندگان حوزه جنگ در مقایسه با سایر بخش‌های ادبیات بگویید؛ بویژه در شرایطی که امالی کتاب معتقد به اعمال سختگیری‌های به‌مراتب کمتر در خصوص آثار شما و همکاران‌تان در مسیر مجوز کتاب‌هاست.**

این تصور اشتباهی است که متأسفانه میان همکاران و دوستان دیگر بخش‌های ادبیات باب شده؛ گمان می‌کنند جنگی نویسان با کمترین نوع ممیزی رویه‌رو هستند. این در حالی است که نه‌فقط ما نویسندگان حوزه جنگ، بلکه داستان نویسان ادبیات انقلاب هم با حساسیت‌هایی به‌مراتب بیشتر از سایر بخش‌ها رویه‌رو هستیم. نویسنده وقتی بنای خود را بر نوشتن داستان یا رمانی خیالی می‌گذارد با هیچ فرد یا سازمان رویه‌رو نمی‌شود، حداقل به شکل معمولی که این چنین نیست. اما وقتی بحث داستان نویسی با نگاه تاریخی بر جنگ به میان می‌آید دیگر شرایط فرق می‌کند. اینجا نخست بحث خود آن افراد یا خانواده‌های آنها در میان است؛ آنهایی که در بخشی یا همه داستان‌ها مان به آنها پرداخته‌ایم. اگر شیوه روایت یا نگاه ما در خلق اثرمان مطابق با سلیقه آنان نباشد واکنش نشان می‌دهند. بخشی از این مشکلات با دیگر بخش‌های تاریخ هم مشترک است. از سوی دیگر وقتی بحث شخصیت یا عملیات مهمی از جنگ در میان باشد باید برخی دیگر از ارگان یا سازمان‌ها هم درباره‌اش نظر بدهند.

این بخشی از روندی است که هم موجب طولانی‌تر شدن روند ممیزی می‌شود و هم اینکه ممکن است که سبب موانعی در راه انتشار نوشته‌مان شود. نوشتن از تاریخ جنگ کار راحتی نیست. برای خود من پیش آمده که تنها بابت اسم یک کتاب نزدیک یکسال درگیر بودم، چرا که با مدعیان مختلفی رویه‌رو بودم، اینجا فقط بحث حتی سازمان‌ها در میان نیست خود اشخاص هم می‌توانند مانع‌تراشی کنند.

■ **از بابت سلاخی افراد و نهادهای مرتبط؟**

بله، به‌هر حال صحبت از جنگی است که هنوز فاصله چندانی از آن نگرفته و می‌توان گفت هنوز مقابل چشم‌مان است. نویسنده دفاع مقدس به معنای واقعی باید از یک خاک‌ریز برای انتشار نوشته خود عبور کند. اما در رمان‌های خانوادگی یا اجتماعی بندرت با حجم بالایی از مدعیان رویه‌رو می‌شویم؛ بگذارید به تجربه‌ای از خود اشاره کنم، برادر راوی یکی از آثارم اعتراض کرد که فلانی در خانه ما درخت نارنج بوده تو چرا نوشتی پرتقال؟ اگر قرار باشد از این

مشکلات بنویسم هر کدام از آنها خود موضوع یک رمان مفصل هستند. کار یکی مانده به آخرم، «کتابه ژئرال» برگرفته از شخصیت و ماجراهایی واقعی است؛ با این حال چون آن را در قالب رمان نوشته‌ام بابت همین مشکلات احتمالی آن را نادمم به خانواده شهیدی که درباره‌اش نوشته بودم. می‌دانستم اگر آن را بخوانند با مشکل رویه‌رو می‌شوم. همه مشکلات احتمالی را به‌جان خریدم تا کتاب منتشر شود و اگر امکان می‌کنند برخی می‌توان در خلوت نشست و اثری خواندنی خلق کرد! وقتی در جایگاه کارشناس برخی مؤسسات نشر آثار نویسندگان ادبیات جنگ و دفاع مقدس را می‌خوانم متوجه می‌شوم که حتی آنهایی که در جنگ نبودند اینها را می‌دانستند تا می‌گفتند آهنگران می‌فهمیدیم بحث صادق آهنگران است. ولی جوان امروزی نمی‌داند منظور از آهنگران، گروهی از افراد است که به این حرفه مشغولند یا فرد خاصی مد نظر است. نویسندگان جوان اگر بخوانند سراغ این حوزه بروند باید تحقیق کنند و درباره فرهنگ خاصی که میان رزمندگان شکل گرفته بود بخوانند.

حساسیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد چقدر با مخاطبان کتاب خود صادق ماندید؟

ذات این رمان به‌گونه‌ای نبود که نیاز به تفحص زیادی از بابت نکته‌ای که اشاره کردید داشته باشم. مسأله مهمی است که اگر خواهان توجه به آن بودم باید زمان و چه بسا که رمان‌های دیگری می‌نوشتم. در این رمان تأکید و هدف اصلی‌ام کاوش پیرامون خود عملیات قدس ۳ بوده. البته در هر فصل، هر یک از افرادی که از درجه‌به نگاه آنها به آن برهه تاریخی و آن عملیات پرداخته‌ام را در یکی - دو صفحه معرفی کرده‌ام. اینکه فلانی قبلاً چه نقشی در قدس ۳ داشته و هم‌اکنون چه کاره است. اما امکان کنکاش بیشتر با توجه به موضوع رمان و همچنین محدودیت حجم آن فراهم نبوده است. شاید تا حدی به سؤال شما در خلال این معرفی‌ها پرداخته شده باشد که در آن خصوص صادق بوده‌ام؛ نکته جالب‌توجه اینکه برخی از این افراد همچنان معتقد به همان آرمان‌ها هستند و هرگز هیچ مسئولیتی و منصبی را نپذیرفته‌اند.

■ **چرا عنوان کتاب را «خیلی خیلی محرمانه» گذاشتید؟**

در این رمان مخاطب با نامه‌ای رویه‌رو می‌شود که برای آغاز عملیات صادر شده؛ نامه‌ای که تلاش می‌شود لو نرود تا عملیات از ستون پنجمی‌های احتمالی مخفی بماند. از همین رو، دست به برخی تلاش‌های مبتکرانه حتی برای پنهان کردن رزمندگان می‌زنند؛ از جمله جابه‌جایی یچه‌های عملیات با کمپرسی و استتار آنها حتی زیر بار هندوانه! ناگفته نماند که بخشی از این انتخاب برای برا‌نگیختن حس کنجکاوی خواننده بوده است. بخش مهمی از تلاش نویسنده برای جلب نظر مخاطب به همین چگونگی نامگذاری آن بازمی‌گردد...

■ **در این رمان اثری از طنز نوشتاری همیشگی‌تان نیست!**

موضوع کتاب اینگونه طلب می‌کرد که سراغ طنز نروم. بحث عملیات مهمی در کار بود؛ هر چند که خواه ناخواه در موارد اندکی به این‌سو رفته‌ام. البته در واقعیت خود جبهه‌های جنگ ما طی آن مدت سال این‌طور بوده که رزمنده‌ها حتی در آن شرایط هم برای حفظ روحیه هم‌رزمان خود تلاش می‌کردند.

این نکته مهمی است که خود من شاهد بوده‌ام. شاید عجیب باشد اما حتی در میدان جنگ و خط مقدم، جایی که دست یک رزمنده ما قطع شده؛ پای دیگری لت‌وپار شده و خون زمین را پوشانده یک بار گفته یکی از رزمندگان کاری می‌کرد که لبخند بر لب دیگران بنشیند. این روحیه قدرتمند و همدلانه یکی از ویژگی‌هایی است که به گمانم خاص سربازان دلاور خودمان به‌شمار می‌آید و شاید جای دیگری شاهد آن نباشیم. بنابراین حتی در همین کتاب که بر جایی از طنز رویه‌رو می‌شود. من وقایعی را که در این رمان پیش روی علاقه‌مندان گذاشتم زندگی کرده‌ام.

■ **آقای صحرایی از نخستین کتاب داستانی ادبیات معاصرمان که به جنگ تحمیلی پرداخته، «زمین سوخته» احمد محمود تا به امروز حدود چهل سال می‌گذرد. با اینکه طی این سال‌ها با نویسندگان بسیاری در این حیطه رویه‌رو شده‌ایم اما چرا با کمتر افرادی همچون شما، محمدرضا بایرامی و مصطفی مستور رویه‌رو هستیم که براساس تحقیقات خود و به‌طور تخصصی سراغ ادبیات جنگ بروند؟**

پاسخ سؤال برآمده از همان مسأله‌ای است که به‌نوعی همه ادبیات امروزمان، فارغ از اینکه بحث چه حوزه‌ای در میان باشد گرفتارنش شده. اینکه برخی می‌خواهند ره یک صد ساله را یک شبه و بدون تحمل هیچ زحمتی بروند.

■ **از همین جهت است که در این حوزه باخیل گسترده‌ای از خاطره‌نویس‌هایی طرف هستیم که شاید**

حتی به معنای واقعی نویسنده هم نباشند؟

متأسفانه بله. البته این تنها یکی از دلایلی است که منجر به گسترش خاطره‌نویسی‌های این چنینی شده است. عوامل دیگری هم دخیل هستند. ازجمله اینکه عده‌ای گمان می‌کنند با کار ساده‌ای طرف هستند؛ در صورتی که نوشتن پیرامون تاریخ به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست و ملزومات بسیاری طلب می‌کند. به گمانم برای پاسخ به این سؤال نیازمند یک بررسی و آسیب‌شناسی دقیق هستیم. با این حال بر اساس تجربه ۳۰ ساله خودم از نوشتن و فعالیت به‌عنوان کارشناس برخی مؤسسات نشر یا داوری جوایز معتقد هستم که بخشی از این مسأله حتی به متولیان امر بازمی‌گردد. در حوزه ادبیات جنگ یا به عبارتی همان دفاع مقدس ما با سیاستگذاران و متولیان بسیاری طرف هستیم. همین تعدد مدیران به این آشفتگی دامن زده و به گمانم دیگر وقت آن شده که اینها قدری بیکارچه شوند. از سوی دیگر ما در همه بخش‌های ادبیات به متولیبانی نیاز داریم که خودشان اهل ادبیات باشند و کتاب بخوانند. تنها متولی کتابخوان است قدر کار خوب را می‌داند. در این بین بخشی از تقصیر هم گردن ناشرانی است که حرفه‌ای کار نمی‌کنند، برخی به هر بهایی تنها دنبال منفعت اقتصادی هستند. متأسفانه کم نیستند ناشرانی که از افراد علاقه‌مندپول می‌گیرند تا نوشته آنان را چاپ کنند، فرقی هم ندارد که کاری بر ارزش باشد یا نه.

■ **در ادبیات جنگ در ابتدا ما بانسلی از نویسندگان رویه‌رو شدیم که خودشان آن را تجربه کرده و حتی در خط‌مقدر حضور داشتند، از جمله خود شما یا حتی در حوزه کودک و نوجوان نظیر فرهاد حسن‌زاده که ساکن جنوب کشورمان بوده و زندگی تحت آن شرایط را در کرد کرده است. اما چرا میان سطح کیفی کار اینها با نویسندگان نسل دوم جنگ فاصله بسیاری شکل گرفته است؟**

ادامه راه این نویسندگان بدون پرورش جوانان علاقه‌مند ممکن نیست. باید شرایطی فراهم شود که تجربه این نویسندگان از میان نرود. تحقق این هدف با کار شخصی امکان‌پذیر نیست، هم‌راهی سازمان‌ها و تشکل‌ها را طلب می‌کنند. نسل اولی‌های ادبیات جنگ‌مان به‌مرور به سبب برخی مشکلات و حتی بی‌مهری‌ها از ادبیات جنگ فاصله گرفته‌اند. هنوز در حوزه ادبیات شفاف‌ی جنگ چندنفری از نسل اولی‌ها مانده‌اند اما حضور در حیطه داستان و رمان کم‌رنگ‌تر شده است. در حوزه کودک و نوجوان که به‌مراتب با کمبود بیشتری در حیطه آثار داستانی مرتبط با این هشت سال جنگ رویه‌رو هستیم. هنوز هم برخی نویسندگان خویمان در تلاش هستند تا ناگفته‌های جنگ را مقابل روی مخاطبان بگذارند اما اینها، تعدادشان کفاف حفظ این بخش مهم از ادبیات و تاریخ‌مان را نمی‌دهد.

■ **نگرانی شما بیشتر از بابت این است که برای جایگزینی چهره‌های شاخص داستان‌نویسی جنگ مان تلاشی شده است؟**

بله و امیدوارم تا هنوز قدری زمان مانده کاری جدی در این زمینه انجام شود.

■ **خودتان چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟ حتی اگر شاهد بیکارچه شدن سازمان‌های متولی این حوزه شویم، این مسأله در نهایت به همان سفارشی نویسی‌هایی که شاهد بودیم و به تألیف آثار غیر حرفه‌ای از سوی خیل عظیمی از افراد تازه‌کار نمی‌انجامد؟**

این سفارشی‌نویسی که مدنظر من هست را ما در دیگر کشورها و حتی بارزترین مصداقش، سینمای هالیوود هم شاهد هستیم. از این گفته‌ام نباید این‌طور برداشت کنید که قرار است یکسری حتی برای مضمون این داستان و رمان‌ها تصمیم بگیرند بلکه باید شرایط را برای علاقه‌مندان تسهیل کنند تا بدلیل آسوده‌ای دست به نوشتن بزنند. نوشتن درباره جنگ نیاز به پژوهش و مطالعه اسناد دارد، این مسأله می‌تواند هم در جهت حمایت مالی از آنان باشد و هم مرتبط با این مسأله است که به‌طریقی ساده‌تر فراهم کند. باید راه برای خلاقیت علاقه‌مندان بازبماند، وگرنه سفارشی‌نویسی اصولی در همه جای دنیا و در همه بخش‌های فرهنگ و هنر باب است. ضمناً حتی سری به آثار هنرمندان بزرگ جهان از جمله «میکل آنژ» هم بزنید یا شاهکارهایی رویه‌رو می‌شوید که حاصل یک سفارش بوده‌اند. هر چند که این سفارش دادن‌ها نباید به نویسندگان تازه‌کار باشد، بلکه آنهایی که حرفه‌ای می‌نویسند و حساب پس داده‌اند. نویسنده‌ای که برای نام و امضای خود اهمیت قائل باشد حتی در سفارشی‌نویسی هم تن به کاری کیفیت نمی‌دهد. این سفارشی‌نویسی اصولی را نباید با اقدامی که انگار نوعی راه‌اندازی کارخانه تولیدیست بویسگی است اشتباه گرفت!

■ **چرا بی فقدان ژانر نویسی این عرصه را هم باید در همین نقاط ضعف جست‌وجو کرد؟ البته به‌غیر از معدود نویسندگانی همچون آقای مجید قیصری که در برخی آثار خود همچون «ضیافت به‌صفر گلوله» به‌نوعی دست به خلق اثری پلیسی- معمایی‌ده!**

بله، بدون نویسنده حرفه‌ای نمی‌توان انتظار کار

آن چنانی را داشت. البته حساب برخی دوستان

همچون آقای قیصری، بایرامی، دهقان و امیرخانی

جدا است. اینها از چهره‌های شناخته‌شده و شاخص

هستند

■ **در آخر بگویید این روزها به چه کاری مشغول هستید؟ اثر تازه‌ای در دست‌نشر دارید؟**

کار «سنگر علاف‌ها ۲» را به اتمام رسانده‌ام که چندی است برای مجوز به ارشاد ارسال شده. پیش‌تر کتابی با همین عنوان در سال ۹۸ منتشر کردم که با استقبال خوبی رویه‌رو شد. بنابراین تصمیم به ادامه‌اش در قالب مجموعه‌ای چند جلدی گرفتم که جلد نخست این مجموعه پارسل منتشر شد و جلد دوم به‌زودی از سوی نشر «سوره مهر» منتشر می‌شود. به‌احتمال بسیار تا دوماه آینده روانه کتابفروشی می‌شود.

۱ «خمیاره خواب‌الود ناشر: پالیزان

این کتاب دربردارنده مجموعه‌ای از چهارده داستان کوتاه طنز است که صحرایی آنها را پیرامون جنگ و دفاع مقدس نوشته است. این داستان‌ها روایت‌هایی از پشت جبهه و پیشینه سربازانی است که دربارہ آنها می‌خوانید. نویسنده تلاش کرده برشی گذرا به آدم‌ها و موقعیت‌های طنزشان بزند. سیگار دامادی، قاطر غنیمتی، سنگر نقلی، موجی و قیرکن بعضی داستان‌های این مجموعه‌اند.

۲ «معمای کانال ماهی ناشر: علمی و فرهنگی

در میان نوشته‌های این نویسنده طنزپرداز، آثار برای همه گروه‌های سنی دیده می‌شود؛ مانند همین «معمای کانال ماهی» که روایت طنزآمیزی از باره‌ای اتفاقات عملیات

کربلای پنج، برای گروه سنی کودک و نوجوان است. در این عملیات دو رزمنده به بهداری منتقل می‌شوند و جریان‌هایی پیش می‌آید که زمینه آشنایی مخاطبان کم‌سن و سال با فضای جبهه و جنگ آن سال‌ها فراهم می‌شود.

۳ «دارو دسته دارعلی ناشر: سوره مهر

«دارو دسته دارعلی» عنوان مجموعه هفت‌جلدی طنزی است که برخی آن را در زمره شاخص‌ترین نوشته‌های اکبر صحرایی می‌دانند که شامل کتاب‌های گردان

بلدرچین، توبوتای خرگوشی، بمب کلاغی، آمولانس شتری، مین سوسکی، برانکاردر درستی و خمیاره‌های نقلی است. دارو دسته دارعلی برای نوجوانان و آمیخته به طنز است و خاطرات خنده‌دار رزمندگان را روایت می‌کند.

۴ «سنگر علاف‌ها ناشر: به نشر

«سنگر علاف‌ها» هم درباره جنگ است، این کتاب داستان افرادی را در جنگ تحمیلی نقل می‌کند که معمولاً به کار گرفته نمی‌شدند و سعی می‌کردند با شوخ طبعی خود را سرگرم کنند.

برخی از شخصیت‌های مجموعه «دار و دسته دارعلی» در این مجموعه نیز حضور دارند. «سنگر علاف‌ها» شامل ۵۵ داستان کوتاه است که به هم اتصال دارند و خواننده حین خواندن داستان به لایه‌های زیرین آن می‌رسد.

۵ «آناه‌نوز هم می‌خندند ناشر: سوره مهر

این کتاب مشتمل بر ۴۰ داستان کوتاه است. هر یک از داستان‌های آن مستقل‌اند و به‌خودی‌خود داستانی کوتاه محسوب می‌شوند، اما در مجموع و در کنار هم یک داستان

بلند را تشکیل می‌دهند. به گفته خود نویسنده، اگر کسی فرصت خواندن تمام داستان‌ها را نداشته باشد؛ می‌تواند از هر جای کتاب، داستانی را انتخاب کند و بخواند. اگر فرصت خواندن همه داستان‌ها را پیدا کرد؛ شاید با چیدن آنها کنار هم، به لذتی مضاعف هم دست‌یابد.

۶ «برونده ۳۱۲ ناشر: شاهد

این رمان درواقع برونده دستقیب و بازجویی و دستگیری شهید سید عبدالحسین دستغیب است که در شیراز و در محراب نماز توسط منافقین به شهادت می‌رسد. ماجراهایی

کتاب حاضر، همان‌گونه که از عنوان آن پیداست به مجموعه فعالیت‌ها و عملکرد این شهید درآثای پیروزی انقلاب اسلامی و پس‌از آن مربوط می‌شود. حق اقتباس این کتاب از سوی مرکز سیمیا قلم خریداری شده است.